

اعلام همبستگی

بدینوسیله ما اعضای شورای دهقانی «اوبه» قره شور ضمن همبستگی خود با ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا، پشتیبانی قاطع خود را با کارگران و زحمتکشان اعلام نموده و امیدواریم که این همبستگی تا رسیدن به آرمان‌های دیرینه افراد ستم‌دیده ادامه یابد.

کشاورزان «اوبه» قره شور که سالیان دراز زیر سلطه زورگویان و زمینخواران بوده و عایدی خود را که با زحمت به دست می‌آوردند تقدیم فتوئال‌ها می‌کردید، امروز که تمام ستم‌دیدگان بپا خاسته‌اند آرزو دارند با مستحکم شدن پیوند طبقات زحمتکش و به ثمر رسیدن انقلاب آرمان‌های شان برآورده گشته و روابطشان با دیگر خلق‌های ستمکش محکمتر گردد.

اسامی اعضای شورای دهقانی «اوبه» قره شور

۵۸،۲،۲۹

شماره ۱

اعلام همبستگی

بدینوسیله ما اعضای شورای دهقانی «اوبه» قره شور ضمن همبستگی خود با ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا، پشتیبانی قاطع خود را با کارگران و زحمتکشان اعلام نموده و امیدواریم که این همبستگی تا رسیدن به آرمان‌های دیرینه افراد ستم‌دیده ادامه یابد.

- ۱- حاج دلدوری حاج...
۲- دادد...
۳- محمد...
۴- حاج...
۵- حاج...

شورای دهقانی قره شور

ص ۱۳۵۸

بدینوسیله ما اعضای شورای دهقانی «اوبه» قره شور ضمن همبستگی خود با ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا، پشتیبانی قاطع خود را با کارگران و زحمتکشان اعلام نموده و امیدواریم که این همبستگی تا رسیدن به آرمان‌های دیرینه افراد ستم‌دیده ادامه یابد.

- ۱- حاج دلدوری حاج...
۲- دادد...
۳- محمد...
۴- حاج...
۵- حاج...
۶- حاج...
۷- حاج...
۸- حاج...
۹- حاج...
۱۰- حاج...

- ۱- حاج...
۲- حاج...
۳- حاج...
۴- حاج...
۵- حاج...
۶- حاج...
۷- حاج...
۸- حاج...
۹- حاج...
۱۰- حاج...

در مقابل نفوذ روزافزون کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و گسترش جنبش دهقانی، ضد انقلاب* سخت به تلاش افتاد. نیمه دوم اسفند اوج این تلاش‌ها بود. هدف عمده تمامی این کوشش‌ها آن بود که با وارونه جلوه دادن اهداف خلق ترکمن بهره گرفتن از اختلافات ملی و مذهبی موجود بین ترکمن‌ها و اهالی غیر ترکمن ساکن منطقه (به خصوص گنبد) زمینه سرکوب توده‌های ترکمن و نیروهای مترقی فراهم شود. زمینداران و مرتجعین انحصارطلب می‌دانستند که هرگاه حقایق روشن گردد نیروها و عناصر انقلابی صرف نظر از وابستگی‌های ملی و مذهبی از حرکت توده‌های مردم ترکمن حمایت خواهند کرد.

در ماه اسفند جمعی از عناصر مرتجع و محافظه کار و ناآگاه ترکمن از جمله گروهی از آخوندهای مرتجع ترکمن (همکاران اناقلیچ نقشبندی) «کانون فرهنگی و اسلامی خلق ترکمن»** را تشکیل دادند، از فعالین این کانون عطا جان آخوند قجقی (داماد نقشبندی) عبدالحلیم عادل صفرزاده، هلاکو و اناکوسه غراوی از سرسپردگان و زمینداران رامی توان نام برد. هدف از ایجاد این کانون محدود نگاه داشتن جنبش ملی مردم ترکمن به مسائل فرهنگی، مذهبی، و منحرف کردن از مضمون اصلی خواست دهقانان ترکمن یعنی پس گرفتن زمین‌های غصبی و روبرویی با زمینداران بزرگ بود. این کانون به علت عدم پشتیبانی از خواسته‌های به حق دهقانان ترکمن در مورد زمین، و رابطه با عناصر مرتجعی مثل اناقلیچ نقشبندی و همکارانش با «کمیته انقلاب اسلامی» گنبد موفقیت چندانی نداشت. بسیاری عناصر مترقی ترکمن که تحت تأثیر تبلیغات به این کانون پیوستند به زودی آنرا ترک کردند.

با تحصن جمعی از زمینداران در دادگستری گنبد (۵۷/۱۲/۲۰)، فعالیت آشکارتر ضد انقلاب در ترکمن صحرا آغاز شد. این گروه با گرفتن تماس‌هایی با دولت بازرگان سعی نمودند که برای درخواست‌های خود جلب حمایت کنند. غاصبین زمین از طریق روزنامه‌ها و کمیته‌ها فعالیت تبلیغاتی وسیعی را شروع کردند. جالب آنست که تمام این فعالیت‌ها به نام جمعی از «کشاورزان» منطقه گنبد صورت می‌گرفت و این عناصر بی‌شرمانه سعی می‌نمودند که با پوشش این نام موقعیت

* ضد انقلاب متشکل از جبهه‌ای از زمینداران بزرگ و غاصبین زمین، قشریون انحصارطلب ترکمن و غیر ترکمن (به خصوص آخوندهای مرتجع همکار نقشبندی) و بقایای رژیم سابق می‌باشند.
** به اعلامیه «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» درباره کانون فرهنگی و اسلامی ترکمن مندرج در بخش دوم، فصل سوم مراجعه کنید (اعلامیه شماره ۵).

اقتصادی و وابستگی خود به رژیم سابق را مخفی کنند و خود را مظلوم جلوه دهند. نامه‌ای که این گروه تحت عنوان «درخواست کشاورزان متحصن در دادگستری گنبد» برای روزنامه‌ها ارسال داشتند* نمونه خوبی از تبلیغات بی‌شرمانه این عناصر است. در میان این به اصطلاح کشاورزان اسامی عناصر مرتجعی مثل امانلی جعفر بای**، فازیایی و غیره به چشم می‌خورد. متأسفانه دولت و کمیته امام در تهران که تا آن موقع توجهی به خواسته‌های به حق دهقانان ستم دیده ترکمن نکرده بودند در قبال تحصن گروه زمینداران به سرعت عکس العمل نشان دادند. هیئتی از طرف دولت و کمیته امام تهران به گنبد اعزام شد، رادینا نماینده دولت و حجت الاسلام امید نماینده کمیته امام بودند. رفتار این هیئت در محل مشوق زمینداران به فعالیت و تحریکات بیشتر شد و شدیداً مردم ترکمن را نسبت به سیاست‌های دولت و کمیته‌های امام در قبال مسئله ترکمن صحرا و زمینهای غصبی بدبین نمود، به خصوص که سفر این هیئت همزمان با پرواز هواپیماهای فانتوم بر فراز ترکمن صحرا بود. با وعده‌هایی که این هیئت در پشت درهای بسته به زمینداران داد، زمینداران به تحصن خود خاتمه دادند. نحوه برخورد هیئت به مسئله مورد مذاکره و همچنین برخوردهای نادرستی که با مردم ترکمن داشت به شدت به خشم مردم افزود. از جمله آقای امید در یکی از گفتارهایش مدعی شد که: «مگر ترکمن‌ها در این انقلاب چقدر کشته دادند که خواهان این همه حقوق هستند؟» در جریان مذاکره‌ای که این هیئت با نمایندگان گروه‌های مختلف داشت (۵۷/۱۲/۲۵) مردم متوجه شدند که تعدادی اسلحه و مقادیری مهمات در ماشین افراد هیئت وجود دارد، بعد از اینکه یکی از افراد مسلح هیئت به میان مردم رفت، مردم که به شدت از این اعمال تحریک شده

* غین نامه در بخش دوم فصل پنجم آورده شده است.

** امانلی جعفر بای برادر حاج قوشاق جعفر بای از وابستگان نزدیک در بارو ارتشی‌های مزدور از جمله اویسی و هاشمی نژاد می‌باشد که زمین این دو نفر را برایشان می‌کاشت و اقوات آن را اختاراً سرپرستی می‌کرد. وی وکیل مجلس و از دوستان نزدیک وزیر کشاورزی سابق منصور روحانی است و در این رابطه مقدار زیادی از جو و انواع خوراک‌های دامی را که به سهمیه منطقه ترکمن صحرا تعلق داشت با همکاری منصور روحانی به خود اختصاص می‌داد و در بازار آزاد به قیمت گزاف می‌فروخت. نامبرده در شهر بانی گنبد شکایت نامه‌های زیادی که از طرف مردم فرستاده شده، دارد.

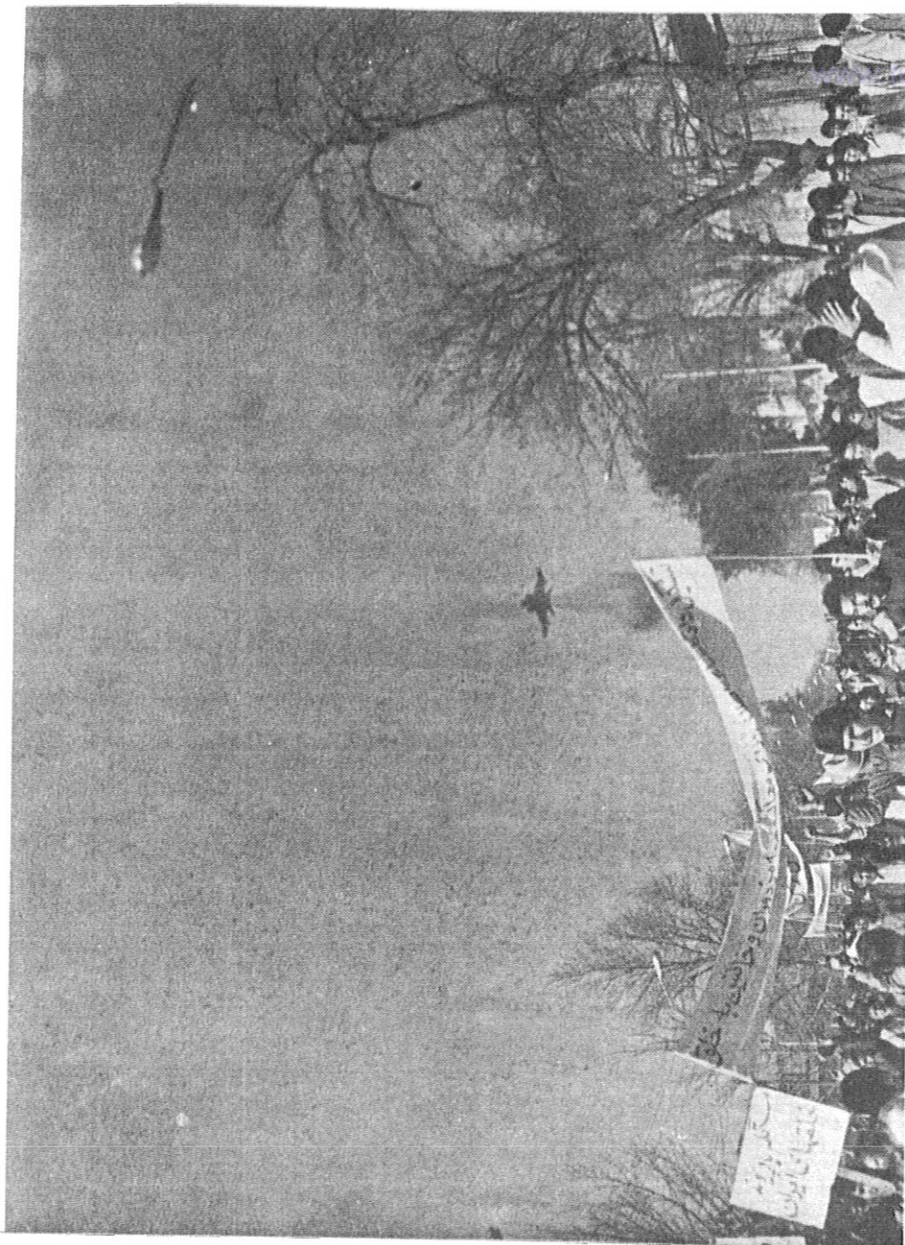
او نماینده گنبد در آخرین دوره مجلس آریامهری بود که استعفا نیز نداد و برای خوش خدمتی به دستگاه حقوق نمایندگی خود را به مجلس بخشید. جعفر بای با تمام درباری‌های مهم رابطه نزدیک داشت و در قبضه کردن امور منطقه ترکمن صحرا مهره اصلی «آریامهر» بود.

بودند سلاح‌های هیئت را گرفتند. در دفاع از این عمل مردم می‌گفتند که برای مذاکره اولاً لزومی ندارد که سلاح آورده شود، ثانیاً چرا نمایندگان مسلح به داخل جمعیت رفته‌اند و این عمل را توهین به خود می‌دانستند.

حجت‌الاسلام امید و رادینا بعد از بازگشت به تهران تبلیغات خود را در جهت تحریف خواسته‌های واقعی مردم ترکمن و رویدادهای ترکمن صحرا آغاز کردند. در تاریخ ۲۸ اسفند طی اظهاراتی که در اختیار مطبوعات قرار گرفت رادینا و امید مردم ترکمن را مشت‌دزد و چپاولگر معرفی کردند. از جمله مطرح شد که گویا ترکمن‌ها خانه و اموال کارگران زابلی را چپاول کرده و به زن‌های آنها تجاوز کرده‌اند. همان‌طور که در فصل قبل اشاره کردیم زابلی‌ها عمدتاً شیعه هستند و این به خوبی نشان می‌دهد که هدف از بیان این مطالب بی‌شرمانه چیزی جز دامن زدن به نفاق بین ترکمن‌ها و زابلی‌ها از نظر مذهبی نبوده است. این دروغ‌های بی‌شرمانه که مورد تکذیب ساکنین زابلی منطقه نیز قرار گرفت برای توده‌های دهقان ترکمن که در جریان جنبش و پس گرفتن زمین‌های غصبی سیاست کاملاً مردمی و درستی نسبت به کارگران زابلی و بلوچ در پیش گرفته بودند و در اکثر موارد آنها را در پس گرفتن زمین‌های غصبی شرکت داده بودند، بسیار ناگوار و دور از انتظار بود.

در واقع محتوای تبلیغ این هیئت در تهران با تبلیغاتی که به وسیله زمینداران صورت می‌گرفت کاملاً یکسان بود. مقایسه نامه زمینداران به روزنامه‌ها و اظهارات سخنگویان هیئت اعزامی به سادگی این واقعیت را نشان می‌دهد.* این هیئت نه تنها کمکی به حل بحران ترکمن صحرا نکرد بلکه با تبلیغات خود محیط را برای تحریکات زمینداران و عوامل ضد انقلابی منطقه ترکمن صحرا مساعدتر نمود. علاوه بر تبلیغاتی که در ماه اسفند در جهت تحریف خواسته‌های واقعی خلق ترکمن در تهران و شهرستان‌های مختلف، به خصوص مناطق مجاور ترکمن صحرا مثل مازندران و خراسان و عمدتاً در بین عناصر وابسته به کمیته‌ها و پاسداران، صورت می‌گرفت، در نیمه دوم اسفند توطئه‌های دیگری نیز برای هرچه بیشتر آشفته کردن اوضاع به وسیله مرتجعین انحصار طلب انجام شد. از جمله در روز ۱۹ اسفند عده‌ای از اهالی بندرشاه سابق که قصد تغییر نام این بندر را به بندر ترکمن داشتند مورد حمله پاره‌ای عناصر ضد انقلابی قرار گرفتند، در جریان تیراندازی این عناصر ۱۳ نفر از اهالی این بندر مجروح گردیدند. به دنبال این برخوردها

* به بخش دوم، فصل دوم - نظر یکی از اعضای کمیته اسلامی بندر ترکمن مراجعه شود.



صحنه‌ای از تظاهرات خلق ترکمن که در زیر غرش فانتوم‌های ارتش جمهوری اسلامی (شاهنشاهی سابق) خواست‌های به حق خود را اعلام می‌دارند.

۵۷/۱۲/۲۰

فانتوم‌های نیروی هوایی مجدداً در ارتفاع کم به روی منطقه به پرواز درآمدند.* این توطئه که در طی ماه اسفند به اشکال مختلف صورت گرفت همگی دارای اهداف معینی بودند. تحریف خواسته‌های خلق ترکمن و جلوگیری از اطلاع سایر ملیت‌های ایران از آرمان‌های خلق ترکمن و ایجاد شکاف در صفوف توده‌ها در ارتباط با اختلافات ملی و مذهبی که به‌طور طبیعی در خدمت تدارک سرکوب مردم محروم ترکمن و تحمیل يك جنگ ناخواسته به آنها قرار می‌گرفت. با پایان یافتن ماه اسفند این تدارک جنبه عملی به‌خود گرفت و عملیات نظامی برای سرکوب توده‌های تحت ستم ترکمن آغاز شد.**

فصل سوم: جنگ ۹ روزه گنبد

- اول تا پنجم فروردین

از روزاول و دوم فروردین کمیته به تدارک حمله به میتینگ اعلام شده توسط کانون پرداخت گروه‌های مسلح وابسته به کمیته امام گنبد با ارسال نیرو از شهرهای بهشهر، گرگان، علی آباد، قوچان و تهران به سرعت تقویت شدند. در اینروزها افراد مسلح غیرمحملی در شهر گنبد زیاد بچشم می‌خورد و حرکات این افراد و نحوه برخوردشان با ترکمن‌ها فضای نگران کننده‌ای در شهر به وجود آورده بود. ظهور این افراد در گنبد خبر از يك

* از جمله جریان‌های دیگری که به منظور تحریک مردم ترکمن صورت گرفت قضیه «مستجیر» رئیس فرهنگ گنبد بود نامبرده که تعصبی نسبت به مسئله فارس و ترکمن نداشت در بین معلمان و دانش آموزان محبوبیت داشت. به همین جهت بعد از برکناری وی مردم گنبد طی تظاهراتی خواستار ابقای وی شدند. افراد «کمیته امام» به علت برخورد درست وی با ترکمن‌ها و محبوبیت وی، تظاهراتی بر علیه او ترتیب دادند. در جواب به این تظاهرات، راهپیمایی دیگری به طرفداری از مستجیر صورت گرفت. مستجیر به تهران فراخوانده شد در حالیکه مردم همچنان خواستار ادامه کار او بودند متن اعلامیه‌ای که در این مورد از طرف معلمان و دانش آموزان گنبد داده شده در ضمیمه ۳ آمده است (اعلامیه شماره ۲۱)

** با اعلامیه مندرج در بخش دوم، فصل سوم، قطعنامه جمعی از ترکمن‌ها در دانشگاه تهران و اعلامیه کانون فرهنگی و سیاسی در همین مورد مراجعه کنید. (اعلامیه شماره ۷، ۶ و ۱۰).



توطئه می‌داد اما هیچکس از نیروهای مترقی تصویری از ابعاد توطئه نداشتند، هیچکس نمی‌توانست پیش‌بینی کند این افراد مسلح برای حمله به یک میتینگ مسالمت‌آمیز و غیر مسلحانه به شهر آورده شده‌اند.

روز پنجم فروردین یکی از مأموران کمیته امام شهر گنبد یک روستائی ترکمن را به جرم فروش سیگار بازداشت نموده و سعی کرد او را به اتهام قاچاق به کمیته ببرد. چند نفر رهگذر به عمل او اعتراض کردند. مأمور کمیته با اسلحه مردم را تهدید کرد و سیگار فروش فرازی شد به دنبال این وقایع در کشمکش‌های بعدی که بین مردم و مأمورین کمیته پیش آمد یک محصل ترکمن به اسم اراز محمد دردی پور* با گلوله مأموران کمیته شهید شد و یک نفر دیگر مجروح گردید. روحانیون ترکمن و مردم شهر برای تحویل گرفتن جسد به شیر و خورشید مراجعه کردند ولی کمیته جسد را تحویل نداد ستاد مرکزی شوراها که متوجه توطئه‌ای برای جلوگیری از اجرای میتینگ ششم فروردین (روز بعد) شده بود، با صدور اعلامیه‌ای از مردم خواست که آرامش خود را حفظ کنند مردم عمده‌تاً عقیده داشتند که این جریان توطئه‌ای برای جلوگیری از اجرای میتینگ است، هاشمی عضو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران طی یک تماس تلفنی با نوری مسئول پاسداران شهر که عملاً مسئول شهربانی هم بود، مطرح کرد که کانون فرهنگی و سیاسی افراد مسلح نداشتن و حفظ نظم در جریان برگزاری میتینگ به عهده پاسداران است. اما نوری به جای همکاری برای حفظ نظم شهر، گوشی تلفن را گذاشت.

- ششم فروردین

اهالی ترکمن شهر گنبد خواهان مجازات عاملین شهادت اراز محمد دردی پور بودند صبح این روز چندین هزار نفر از ترکمن‌ها به سمت ساختمان شیر و خورشید رفتند و با یافشاری بسیار جسد را تحویل گرفتند. بدون دادن شعار به آرامی جثه شهید را تشییع کردند. مردم ترکمن به خوبی متوجه توطئه شده بودند سعی داشتند با شکیبائی خود جلوی

* شرح حال شهید دردی پور در بخش دوم، فصل چهارم، آورده شده است.

توطئه را بگیرند.

ساعت ۲ بعد از ظهر همانروز طبق دعوت قبلی اجتماع مردم ترکمن برگزار شد. اعضای «کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن» برای جلوگیری از هرگونه توطئه‌ای اجتماع ۲۰ هزار نفری را با نظم بسیار برگزار کردند و سخنرانی‌ها در محیطی آرام شروع شد. قبلاً به همه شرکت کنندگان در میتینگ توصیه شده بود از آنجا که میتینگ مسالمت‌آمیز است، شرکت کنندگان علیرغم جو توطئه‌آمیز شهر باید بدون اسلحه در آن شرکت کنند. از ابتدای میتینگ، گهگاه صدای شلیک تیر به گوش می‌رسید، اما جمعیت همچنان با آرامش به سخنرانی گوش می‌داد. حدود ساعت ۲/۵ بعد از ظهر «پاسداران» که اکثراً نقاب بر چهره داشتند با چند ماشین به محل آمده و بر بام خانه‌های مجاور پارک شهر که میتینگ در آنجا برگزار می‌شد سنگر گرفتند و به تدریج جمعیت را از خیابان‌های اطراف محاصره کرده و شروع به تیراندازی کردند جمعیت آرام به تلاطم آمده کنترل میتینگ از دست انتظامات خارج شده و شرکت کنندگان در میتینگ متفرق شدند. عده‌ای از «پاسداران» در مقابل محل کانون سنگر گرفته و جمعیت را به رگبار گلوله بستند. این گروه به کشتار مردم اکتفا نکرده به ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا نیز حمله بردند. «پاسداران» مسلح محل کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن را به آتش کشیدند.

رفیق عباس هاشمی که کاملاً از توطئه آگاه بود، بدون هیچگونه مقاومت مسلحانه همراه با کلیه حاضران در محل ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا توسط مهاجمین مسلح دستگیر شد. رفیق اگرچه مسلح بود ولی از آنجا که ایجاد برخوردهای نظامی را توطئه زمینداران و عوامل رژیم سابق می‌دانست دست به سلاح نبرد. با دستگیری این رفیق امکانات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران جهت کنترل اوضاع و برقراری آتش بس در آن روزها عملاً از بین رفت. در آخرین تماس تلفنی که رفیق هاشمی قبل از ورود مهاجمین مسلح به ساختمان ستاد مرکزی شوراها با ستاد مرکزی سازمان گرفت، چنین گفت: «ما تا کانون شلیک نکرده‌ایم، دارند به ستاد شلیک می‌کنند... صدایش را می‌شنوید؟»

از ساعت ۶ بعد از ظهر مردم ترکمن برای دفاع از خود، شروع

به ساختن سنگرهای در جلوی محلات کرده و دست به مقاومت مسلحانه زدند.

رادیو - تلویزیون: در تعقیب سیاست همیشگی اش یعنی تحریف حقایق مبارزه خلق‌های تحت ستم ایران و شایعه پراکنی در مورد نیروهای انقلابی و مترقی خبری به نقل از خبرگزاری‌های خارجی پخش نمود که طبق آن گویا سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران گنبد، سنندج و بعضی نقاط دیگر کشور را تسخیر کرده است.*

- هفتم فروردین

تمام راه‌های اصلی ورود به شهر توسط پاسداران بسته شد و کسانی که برای کمک رساندن به مردم گنبد می‌آمدند تنها پس از بازرسی دقیق اجازه عبور می‌یافتند. از شهرهای مختلف برای کمیته‌ها نیروی کمکی می‌رسید، اغلب این افراد وقتی مورد سؤال قرار می‌گرفتند که چرا به گنبد می‌روید می‌گفتند برای سرکوب «ضد انقلاب» که جنگ را شروع کرده است. اکثریت قریب به اتفاق «پاسداران» اعزام شده، اطلاعات درستی در مورد واقعیات ترکمن صحرا و سیر واقعی حوادث نداشتند.

از روز هفتم جنگ گسترش یافت. اقشار مختلف شهری ترکمن به خصوص جوانان فعالانه در جنگ شرکت داشتند. از شهرهای دیگر منطقه مثل بندر ترکمن و آق قالا نیز به کمک ترکمن‌ها به گنبد آمدند. گرچه روستائیان ترکمن در ابعاد وسیع امکان شرکت در جنگ را نداشتند اما از روستاهای مختلف دسته‌های داوطلب برای جنگیدن به شهر می‌آمدند که تعدادی از این روستائیان نیز در جریان جنگ شهید شدند.* روستائیان ترکمن علاوه بر شرکت مستقیم در جنگ، کمک‌های پشت جبهه‌ای وسیع مثل غذا، پوشاک به گنبد می‌رساندند و در مجموع نقش مهمی در تقویت

* در این مورد سازمان ما اعلامیه‌ای منتشر نمود که در بخش دوم، فصل سوم منعکس است (اعلامیه شماره ۲۲).

** به‌لیست شهدای ترکمن در بخش دوم، فصل چهارم مراجعه کنید.

جنگ ترکمن‌ها در گنبد داشتند.**

کمک‌هایی که از روستاها و دیگر شهرهای منطقه به ترکمن‌ها می‌رسید باعث شد که ترکمن‌ها موقعیت خود را تحکیم کرده و نیروهای مهاجم را به عقب برانند. در جریان پیشروی، ترکمن‌ها موفق شدند که محل کانون و ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا را از دست نیروهای مهاجم خارج کنند. تا ساعت ۱ بعد از ظهر ۲۶ نفر کشته و ۷۷ نفر زخمی می‌شوند. بیمارستان‌ها تحت نظر «کمیته امام» بودند و از پذیرفتن بیماران ترکمن خودداری می‌کردند، به همین جهت عده‌ای از پرستاران و کارکنان بیمارستانها به عنوان اعتراض آنجا را ترک کردند. ترکمن‌هایی که در جریان روز قبل دستگیر شده بودند از

* از نقاط دورافتاده مثل جرجلان و مناطق مرزی پیام‌های متعدد همبستگی برای مبارزان گنبد می‌رسید اصولاً هرگاه شرایط بحرانی در منطقه به وجود می‌آید سیل اینگونه پیام‌های همبستگی که بیان کننده قصد قاطع دهقانان ترکمن به مبارزه تا پیروزی است به ستاد شوراها و بانحیه‌ای که در آن مبارزه حادی در جریان است سرازیر می‌شود. پیام زیر نمونه‌ای از این گونه پیام‌ها است:

خلق غیور ترکمن صحرا

ما به نمایندگی از طرف خلق ترکمن گلیداغ (۱- عرب جیق ۲- تازه یورت ۳- یانبلاق ۴- لهندر ۵- دلمه ۶- یل چشمه ۷- قایرق داش ۸- خوجه لر ۹- قونگتی جنگل ۱۰- قوشه سو ۱۱- داشلی اولوم ۱۲- دالی بوقجه ۱۳- قولاق کسن ۱۴- قامقلی ۱۵- یلقی سورلن ۱۶- کندیری ۱۷- باتیلر ۱۸- کسن ۱۹- فره آقاچلی ۲۰- داشلی آراقاچ ۲۱- آقچه آقاچلی ۲۲- پلی ۲۳- آوودار ۲۴- کمرلی ۲۵- عرب لاله گون ۲۶- بیشک تبه ۲۷- شارلاق ۲۸- شهرک گلیداغ ۲۹- دونگوزلی ۳۰- قاپلانگلی) حمایت خود را از ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا اعلام می‌داریم و خود را موظف می‌دانیم که در راه منافع خلق‌های ایران و به ویژه خلق ستمدیده ترکمن، از هیچ گونه کوششی فروگذار ننمائیم. ما خواست ۸ ماده‌ای خود را در چهارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک از دولت جمهوری اسلامی خواستاریم.

ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا در دوران کوتاه موجودیت خود به خلق‌های ستمدیده ایران و به خصوص خلق ترکمن ثابت نمود که می‌تواند برای ایرانی‌به‌دور از سلطه امپریالیسم، وزن سنگینی باشد و در ساختن ایرانی آزاد و دموکراتیک نقش بزرگی را ایفا نماید. با حرکت دموکراتیک خلق ترکمن ارتجاع منطقه درحال نابودی است و گاهگاهی ارتجاع در لباس کمیته‌ها دست به توطئه گری زده و حتی در روز ۶ فروردین ده‌ها تن از فرزندان غیور خلق ترکمن را به خاک و خون کشید، اما هوشیاری خلق ترکمن متعجب‌گشت که ارتجاع به سرمداری فتودال‌ها در منطقه نتواند حاکم گردد. ما باید با کمال هوشیاری در راه اهداف ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا گام برداریم. راه خلق ترکمن گلیداغ راه ستاد و راه همه خلق‌های ایران است.

خلق ترکمن منطقه گلیداغ

۵۸/۲/۱

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - گلیداغ

جمله رفیق هاشمی، به پادگان نوده منتقل شدند. در انتهای روز طی مذاکراتی که توسط نمایندگان دولت آقایان ملیحی و رضائی با طرفین جنگ صورت گرفت، از ساعت ۷ شب آتش‌بسی به مدت ۷۲ ساعت اعلام شد.

- ۸ فروردین

علیرغم آتش‌بس و آرامش شب گذشته، «پاسداران» عملاً به آتش‌بس توجهی نکرده و کماکان به تیراندازی ادامه دادند. کسی جرأت خارج شدن از خانه را نداشت و به علت تیراندازی پاسداران امکان جمع آوری زخمی‌ها نیز نبود. نیروهای جدیدی برای کمک به پاسداران به شهر رسیدند. فائوم‌ها نیز برای ارباب میارزان ترکمن به پرواز درآمدند. بعد از ظهر در بندر ترکمن حدود ۱۵ هزار نفر برای پشتیبانی از مردم گنبد و خلق ترکمن و محکوم کردن کشتار آنها دست به راهپیمائی زدند. مردم خواستار آزادی فعالیت «ستاد مرکزی شوراها» و «کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن» شدند، در آق قالا نیز یک راهپیمائی با همان خواسته‌ها برگزار گردید.

- ۹ فروردین

اوضاع گنبد همچنان متشنج بود و تیراندازی ادامه داشت. در جریان این روز عناصر مسلح «پاسدار» به چند خانه حمله کرده و ساکنین بی‌دفاع خانه را به گلوله بستند. * از جمله افرادی که در جریان حمله مهاجمین مسلح به خانه‌هایشان به گلوله بسته شدند، بدون آنکه مقاومتی کرده باشند، میتوان مادر شهید بی‌بی ملتی و فرزندش و همین‌طور شهید صفر گل خالدزاده و کلی خواجه را نام برد. **

* جنایات بعضی از گروه‌های پاسدار محدود به کشتار مردم بی‌دفاع و خانه‌هایشان نبود. آنها در بسیاری از موارد اسرا را نیز به رگبار بسته و ناجوانمردانه به قتل رسانیدند. از جمله: عمادی میرزاعلی، محمد اراز بهنام، گلدی محمد، ارازداری در هنگام اسارت بدون هیچگونه محاکمه‌ای به رگبار بسته شدند.

یکی از کسانی که در هنگام اسارت به رگبار بسته شد، زنده ماند و بعداً چگونگی واقعه را توضیح داد (این شرح در بخش دوم، فصل پنجم آورده شده است).

** شرح حال این شهدا در بخش دوم، فصل چهارم منعکس شده است.

بعد از ظهر یک گروه افراد وابسته به کمیته سلطنت آباد به فرماندهی فردی به نام سلامت بخش به کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن حمله می‌کنند که ترکمن‌ها در مقابل آنها ایستادگی کردند. سرانجام فرمانده گروه دستگیر و عده‌ای از آنان که عضو کمیته‌های ساری و گرگان بودند تسلیم ترکمن‌ها شدند. بخشی زاده مدیر داخلی شیروخورشید به علت اعتراض به نپذیرفتن ترکمن‌های زخمی از طرف کمیته اسلامی دستگیر شد یک گروه پزشکی داوطلب در گنبد مستقر شده و به مداوای ترکمن‌ها مشغول شد. *

- ۱۰ فروردین

عده‌ای از پاسداران قم و مشهد برای درهم شکستن مقاومت مردم عازم گنبد شدند. افراد پادگان رینه واقع در جاده هزار را هم می‌خواستند به جنگ ترکمن‌ها بفرستند، سربازان با مطرح کردن اینکه ما نمی‌دانیم با چه کسانی و به چه منظور باید بجنگیم از رفتن به گنبد خودداری کردند. چند نفر از کسانی که از تهران و ساری برای جنگ با ترکمن‌ها به گنبد آمده بودند و در طی جنگ اسیر شده بودند می‌گفتند: «به ما گفتند اینها که می‌جنگند ضد انقلابی، ساواکی و کمونیست هستند و شما باید آنها را سرکوب کنید. اما حالا می‌بینیم که ما درگیر با توده‌هایی هستیم که برای زندگیشان می‌جنگند.» بعضی از آنان می‌گفتند اگر به شهرشان برگردند دست به افشاگری می‌زنند. در همین حال سعی شد ۱۰۴ نفر از ترکمن‌هایی که در پادگان نوده زندانی بودند به پادگان چهل دختر منتقل شوند، اما این زندانیان که در اعتصاب غذا به سر می‌بردند به دلیل آنکه احتمال می‌دادند ترور شوند از رفتن خودداری کردند. به تصمیم مسئولین چریک‌های فدائی خلق ایران یک هیئت، مرکب از ۴ نفر جهت حل صلح‌آمیز مسئله ترکمن صحرا با اختیارات کامل عازم منطقه شدند، متن اعلامیه‌ای که انتشار یافت به شرح زیر است: «سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، به اطلاع می‌رساند که صبح روز جمعه ۵۸/۱/۱۰ هیئتی با اختیارات کامل از سوی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران به گنبد اعزام خواهد شد تا با همکاری با سایر هیئت‌های اعزامی ریشه‌ها و علل وقایع گنبد را بررسی کند. * گزارشی از هیئت پزشکی در بخش دوم، فصل دوم منعکس است.

این هیئت وظیفه دارد راه حل صلح آمیز مسائل و مقابله با عناصر ضد انقلاب که می‌کوشند آتش نفاق را بین مردم برافروزند، اقدامات لازم را به عمل آورده امید است انتشار گزارش هیئت اعزامی بتواند جزئیات وقایع گنبد را در اختیار هم میهنان قرار دهد. این هیئت همراه با دو نفر دستیار ساعت ۸ صبح روز جمعه عازم ترکمن صحرا شدند، هیئت اعزامی به دو گروه تقسیم شده یک گروه به گرگان رفته و نمایندگان هیئت دولت و روحانیون را ملاقات کرده و در مورد آتش بس به توافق رسیدند. گروه دیگر در بندر ترکمن با آخوند عزیزی روحانی ترکمن در مورد آتش بس به توافق رسیدند. سپس به همراه ایشان به گنبد عزیمت کرده، با اعضای کانون فرهنگی و سیاسی در مورد آتش بس به توافق رسیدند.

علیرغم تمام کوشش‌هایی که در زمینه برقراری آتش بس به عمل می‌آمد یک گروه ۲۰۰ نفری مسلح تحت سرپرستی اصغر صباغیان با هلیکوپتر به گنبد آمدند و کوشش زیادی کردند که آتش بس برقرار نشود و جنگ ادامه پیدا کند. اصغر صباغیان سرپرست کمیته سلطنت آباد و برادر هاشم صباغیان وزیر کشور است. ربودن فرزندان آیت‌الله طالقانی هم توسط افراد تحت رهبری همین فرد صورت گرفت. در این مورد مطالبی که آیت‌الله طالقانی در جریان ربودن فرزندان برای مطبوعات طرح کردند جالب است: «ربودن فرزندانم در روز روشن... برای من نگرانی آور شدو احساس کردم همان کبریت‌هایی که در سندیج منشأ اشتعال شدو در گنبد، از اینجا این برنامه‌ها شروع شده... در بین پاسدارها و کمیته‌ها اشخاصی خصوصاً در چند هفته اخیر خودشان هم اعتراف دازند رخنه کرده کارهایی انجام دادند... ما دیدیم در قضیه گنبد یک عده با اخلاص وعده‌ای هم افراد مشکوک به آنجا رفتند عده‌ای، جوان‌هایی کشته شدند و در آنجا و بعد هم برگشتند معلوم شد از بعضی کمیته‌ها بوده که فرعی و غیر مسئول هستند.» (کیهان اول اردیبهشت) - تاکید از ماست.

این گروه بعد از اعلام آتش بس نیز دست از توطئه‌های خود بر نداشت. اینها همان گروهی هستند که بعد از پایان جنگ گنبد نزد آیت‌الله خمینی رفته و از پایان یافتن جنگ اظهار تأسف کردند که در مطبوعات نیز منعکس شد. مطالبی که یکی از سخنگویان این گروه در جریان ملاقات با آیت‌الله خمینی

طرح کرده بسیار جالب است: «متأسفانه در آخرین لحظاتی که می‌رفت پیروزی از آن مجاهدین باشد با اعلام آتش بس از طرف افراد بی‌صلاحیت سبب گشت...» (کیهان ۲۵ فروردین)، که به خوبی قصد این گروه را در ادامه خونریزی و جنگ تحمیلی نشان می‌دهد. منظور از افراد «بی‌صلاحیت» که مطرح شد نمایندگان دولت بارزگان در جریان آتش بس هستند. اینها با صحنه‌سازی‌های بی‌شرمانه‌ای سعی کردند که ترکمن‌ها را جمعی دزد و متجاوز به ناموس مردم معرفی کنند و از این طریق ذهن مردم و آیت‌الله خمینی را نسبت به مبارزان ترکمن گمراه کنند. ستاد مرکزی شوراها با توجه به اینکه ملاقات این گروه با آیت‌الله خمینی در مطبوعات منعکس شد و برای روشن شدن دروغ‌های بی‌شرمانه این جمع اعلامیه‌ای صادر نمود.*

* متن این اعلامیه که خطاب به هیئت تحریریه کیهان فرستاده شد به شرح زیر است:
هیئت تحریریه محترم روزنامه کیهان:

محترماً، در شماره ۱۰۶۸۲ آن روزنامه به تاریخ ۱۳۵۸/۱/۲۵ گزارشی که آن روزنامه گزارشی از ملاقات پاسداران انقلاب اسلامی گنبد با امام خمینی درج کرده بود. به علت اینکه مطالب این گزارش و اظهارات پاسداران انقلاب اسلامی که باید صادق باشد کذب محض بوده و جز تحریک و تفرقه افکنی سودی ندارد لازم دانسته توضیحات زیر را برای مزید اطلاعات مردم مبارز ایران و خوانندگان آن روزنامه به اطلاع برساند امید است با توجه به قانن مطبوعات نسبت به درج این نامه اقدام ننماید.

۱- نوشته شده «متأسفانه در آخرین لحظاتی که می‌رفت پیروزی از آن مجاهدین باشد با اعلام آتش بس از طرف افراد بی‌صلاحیت سبب گشت...»

اولاً در این اظهار صریح پاسدار انقلاب مشهود است که چه کسی جنگ طلب بوده و می‌خواسته در آخرین لحظات با به خون کشیدن مردم ترکمن تمام تلاش‌های نمایندگان ترکمن و دولت موقت جمهوری اسلامی را خنثی نماید. اینکه این جنگ بر مردم ترکمن تحمیل شد بر هیچکس پوشیده نیست و نیز اینکه مردم ترکمن تلاش بسیار در آتش بس نمودند باز هم بر هیچکس پوشیده نیست و این گفته صریح یکی از پاسداران به خوبی نشان می‌دهد که اینان به هیچوجه تلاشی برای آتش بس ننموده بلکه خواهان جنگ و پیروزی بر خلق بوده‌اند و در ثانی اطلاعی کلمه بی‌صلاحیت به نمایندگان دولت که پیش نهاد آتش بس را داده‌اند از طرف پاسداران انقلاب که خود رامدافع دولت موقت جمهوری اسلامی می‌دانند، به چه معنی است؟ آیا دکتر رسولی - دکتر طباطبائی - رضائی - ملیحی و گرگانی که همگی از طرف وزارت کشور جمهوری اسلامی فرستاده شده‌اند فاقد صلاحیت هستند، آیا حسن نیت نمایندگان ترکمن و مردم صلح طلب آن بر کسی پوشیده است؟ آیا اینکه در شب دوم آتش بس تیراندازی به مدت ۴ ساعت با تمام نیرو از طرف بعضی پاسداران انقلاب اسلامی (که به نظر ما برخلاف ادعایشان پاسدار انقلاب اسلامی نبوده بلکه برعکس به آن لطمه می‌زنند)، لطمه به وحدت مردم ایران و آتش افروزی و تفرقه افکنی نیست؟ خوشبختانه هوشیاری رزمندگان ترکمن در این مورد و بی‌جواب

هیئتی که از طرف دولت برای برقراری آتش بس از تهران اعزام شده بود، ساعت ۱۱ صبح به بندر ترکمن وارد شد. رزمندگان خلق ترکمن که

گذاشتن این تجاوز سبب خنثی شدن توطئه عوامل مشکوک که در بین پاسداران نفوذ دارند شد.

بهر حال اگر نمایندگان اعزامی دولت موقت جمهوری اسلامی که منتخب رهبر انقلاب امام خمینی هستند صلاحیت ندارند جا داشت که پاسداران انقلاب اسلامی این مطلب را با کمیته مرکزی پاسداران انقلاب اسلامی مطرح نموده تا مسأله به شکل دیگری حل می‌شد.

۲- نوشته شده «اینها حتی به حرم حضرت یحیی ابن زید حمله کرده و تمام اموال و موجودی آنجا را به غارت بردند» طبق مدارکی که ضمیمه این نامه می‌شود کلیه اموال امامزاده که از دستبرد عده‌ای ناشناس در امان مانده طبق صورت جلسه مردم محل که همگی آنرا امضاء نموده‌اند و مبلغ ۲۲۵۸۴۵ ریال می‌شود تحویل کدخدای قلندرآباد یعنی آقای ملاشایدی راضی می‌شود که ایشان هم بتاريخ ۵۸/۱/۲۲ به حساب شماره ۶۰۰ بانک اعتبارات تعاونی توزیع می‌دهند. هم چنین اجناسی از قبیل النگوی طلائی، الله طلائی، انگشتر طلائی و ساعت طلائی که در امامزاده با صورت جلسه تحویل داده می‌شود که با مدارک ضمیمه این نامه خوانندگان محترم روزنامه به کذب اظهارات پاسداران انقلاب و هوجبگری ایشان که بدون تحقیقات مطلبی را اظهار نموده‌اند روشن می‌شود که امیدواریم درج این مدارک در آن جریده شریفه و به روشن شدن ذهن خوانندگان و محققین و میهن پرستان ایرانی کمک نماید و ضمناً به هشیاری مردم ترکمن و دور اندیشی آنان نیز واقف شوند.

۳- برای تحریک احساسات مردم که به علت سانسور در رسانه‌های گروهی (رادپو - تلویزیون) از حقایق بی‌خبر هستند اظهارات دروغ و غیر صادقانه‌ای بیان شده که گویا عده‌ای از ترکمنان به جان و ناموس مردم تجاوز نموده‌اند.

واقعاً جای بسی شگفتی است که پاسداری که خود را حافظ انقلاب اسلامی می‌داند این چنین دروغ پردازی نماید و از آن بدتر روزنامه کیهان که خود در جریان بسیاری از مسائل هست این اظهارات را یک طرفه منتشر نماید. بهر حال ما اعلام می‌کنیم که مردم ترکمن و رزمندگان آن به هیچوجه قصد جنگ افروزی و تفرقه افکنی نداشته و همیشه خواهان زندگی در صلح و مسالمت با تمام مردم ایران بوده و از این تدبیر که کمیته‌های امام گنبد منحل شد پشتیبانی می‌نمایند. و همین امر خود دلیل بر تحریکات این کمیته و کارشکنی‌هایش در کار دولت می‌باشد و به نظر ما نفوذ عناصر مشکوک (که با هزاران خيله صورت می‌گیرد) در کار کمیته‌ها مرتباً تحریکاتی به وجود می‌آورند و این بار به شکل دیگر به وجود آورده‌اند که امید داریم تا هشیاری نمایندگان اعزامی وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران و نمایندگان خلق ترکمن هر چه زودتر خنثی گردد.

ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا

۵۸/۱/۲۶

مرکز بر تفرقه اندازان

مستحکم تر باد پیوند خلق‌های مبارز ایران

جنگ را کاملاً تحمیلی می‌دانستند و خواستار پایان یافتن آن بودند هیئتی برای پیشواز نمایندگان دولت به بندر ترکمن اعزام کردند. پس از نخستین تماس، طرفین با برقراری آتش بس موافقت کردند. در ایجاد تماس برای برقراری آتش بس، نمایندگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که از روز دهم وارد منطقه شده بودند نقش موثری بازی کردند.

گروهی از روحانیون مرفعی ترکمن و معتمدان محلی در تلگرافی که برای آقای بازرگان و آیت‌الله طالقانی فرستادند خواستار پایان جنگ و برادرکشی شدند. متن تلگراف به شرح زیر است:

احتراماً اطلاع دارند چهار روز است دولت در اثر سم‌پاشی ماهرانه حجت‌الاسلام امید و تبلیغات و تحریکات عمال ساواک و دسیسه غاصبین رژیم طاغوتی که خود را در قالب انقلابیون جلوه می‌دهند سبب شده پاسداران و سربازان ارتش را به جان مردم مسلمان زجر کشیده ترکمن درگنبد کاووس بیندازند که بیرحمانه به کشت و کشتار مشغول می‌باشند نه تنها از پذیرفتن مجروحین ترکمن در بیمارستان جلوگیری بلکه حاملین مجروحان را بازداشت و برای مشوب کردن اذهان عمومی به کذب شایع می‌نمایند که آورنده مجروح اسلحه و نارنجک همراه داشته که برای هیچ حقیقت بینی باور کردنی نمی‌باشد. آیا نتیجه و جواب خواسته‌های مشروع مردم مسلمان ستم‌دیده ترکمن از ثمره انقلاب اسلامی همین برادرکشی با گلوله است؟ آقای نخست وزیر تصدیق خواهید فرمود رژیم استبداد و جبار زمین‌های ما را بازور و شکنجه گرفته بود نه اینطور با فرستادن فانتوم و کشت و کشتار جابرانه، آقای نخست وزیر آیا مفهوم آزادی در زیر پرچم انقلاب اسلامی اینگونه خون‌ریزی خواهد بود یا اینکه با معنی اصولی دیگر، لذا استرحاماً استدعا داریم انصاف کرده عاجلاً پاسداران و سربازان خود را فراخوانده جلو این برادرکشی را بگیرید.

- ۱۲ فروردین

در شرایطی که کوشش‌ها برای برقراری آتش بس ادامه داشت، کماکان اقداماتی برای سرکوب مردم ترکمن صورت می‌گرفت. در پادگان افسریه

(گارد سابق) فرمانده تیپ ۲ لشکر گارد - سرهنگ شجاعی فر - در مورد «شوزش» ترکمن صحرا صحبت کرد و از سربازان و درجه‌داران خواست که به‌طور داوطلب برای از بین بردن کمونیست‌ها به‌گنبد بروند. درگنبد پس از تماس طرفین برای برقراری آتش‌بس، صبح روز دوازدهم آتش‌بس برقرار شد. اما گروه‌هایی از پاسداران اعزامی به‌خصوص افراد اعزام شده به‌رهبری صباغیان با تیراندازی‌های بیمورد، قصد بر هم زدن آتش‌بس را داشتند. رزمندگان خلق ترکمن بارها توسط بلندگو به‌افراد خود هشدار دادند که خونسردی خود را حفظ کنند. و در مقابل تحریکات توطئه‌گران اقدام به تیراندازی نکنند. خلق ترکمن برای اثبات حسن نیت خود در برقراری آتش‌بس، در ساعت ۱۲ آمادگی خود را برای تحویل رئیس شهربانی گنبد که در جریان جنگ دستگیر شده بود، اعلام کرد.

۱۳ فروردین

صبح ۱۳ فروردین رئیس شهربانی گنبد همراه هیجده نفر از دستگیر شدگان توسط ترکمن‌ها به‌نمایندگان دولت تحویل شدند. رزمندگان ترکمن همچنین آمادگی خود را برای تحویل اجساد اعلام کردند. حدود ساعت ۹ هنگام تحویل اجساد، گروهی توطئه‌گر برخلاف موازین آتش‌بس به تیراندازی به سمت رزمندگان ترکمن اقدام کردند. تیراندازی‌هایی در نقاط دیگر شهر صورت گرفت که با توجه به رعایت آتش‌بس از طرف ترکمن‌ها گسترش نیافت.

در این روز اعلامیه‌ای از طرف ستاد مرکزی شوراها در جهت محکوم کردن اقدام بعضی از گروه‌های پاسدار در جهت نقض آتش‌بس، انتشار یافت که در آن تأکید شده بود: «ما وظیفه داریم تحریکات این افراد را خنثی کرده و با هشیاری وقاطعیت آتش‌بس را پاسداری کنیم تا هرچه زودتر از طریق مذاکره به‌نزاع خاتمه دهیم.» ستاد شوراها اعلامیه دیگری نیز انتشار داد که در آن مردم را به هوشیاری و خونسردی کامل در مقابل مرتجعین دعوت کرده و همچنین از نیروهای مسئولی که خواهان برقراری

آتش‌بس بودند. خواستار رسیدگی به آتش‌بس شد.*
 دو تن از اعضای هیئت نمایندگی دولت برای بررسی وضع، در ساعت يك بعداز ظهر وارد منطقه استقرار رزمندگان ترکمن شدند. در مذاکراتی که بین این دو و نمایندگان ترکمن‌ها صورت گرفت، برای ادامه برقراری آتش‌بس چهار ماده زیر پیشنهاد شد:

- ۱- انتقال سریع مجروحان به بیمارستان
- ۲- آزادی دستگیر شدگان
- ۳- عقب‌نشینی کامل طرفین از سنگرها و پاک‌سازی شهر
- ۴- واگذار کردن حفظ نظم شهر به ارتش تا اطلاع ثانوی

رزمندگان ترکمن در جریان مذاکرات تأکید کردند که پیش از تشکیل شورای موقت، ورود ارتش برایشان قابل قبول نیست، اما تنها برای تضمین آتش‌بس این شرط را می‌پذیرند. آنها تأکید کردند که پیش از آغاز فعالیت شهربانی و ژاندارمری و غیره، شورای موقت شهر گنبد تشکیل شود. در این‌مدت برای نقض آتش‌بس، تحریکات متعددی در گنبد در روستاهای اطراف آن صورت گرفت که با توجه به هوشیاری و خونسردی مبارزان ترکمن این توطئه‌ها خنثی شد. شورائی از نمایندگان منتخب مردم ترکمن به‌منظور نمایندگی خلق ترکمن در مذاکرات بعدی انتخاب شد.

با توجه به تبلیغات همه جانبه‌ای که برای تحریف اهداف خلق ترکمن و روانه جلوه دادن علل واقعی جنگ گنبد، و نقش سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در طی جنگ صورت می‌گرفت، سازمان و نیروهای هوادار آن در شهرهای مختلف

* به‌متن این اعلامیه‌ها در بخش دوم، فصل سوم (اعلامیه‌های شماره ۱۱ و ۱۲) مراجعه شود.

با پخش اعلامیه و کار توضیحی سعی در توضیح واقعیات جنگ گنبد کردند. تبلیغات مغرضانه به خصوص در مناطق مجاور ترکمن صحرا مثل مازندران و خراسان بسیار شدید بود. درهمین ارتباط گروهی از هواداران سازمان در شهر ساری اعلامیه‌ای منتشر کردند که به این تبلیغات سوء در مازندران اشاره داشت.*

در تهران نیز فعالیت‌های وسیعی در جهت تحریف خواسته‌های مردم ترکمن و علل واقعی جنگ صورت می‌گرفت. نمایشگاه‌های عکس متعددی توسط نیروهای مرتجع قشری برگزار می‌شد که هدف عمده آنها حمله به سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران و تحریف نقش واقعی آن در ترکمن صحرا بود. از جمله اعلامیه‌های متعددی از طرف گروهی به اسم «سازمان دانشجویان مسلمان دانشگاه صنعتی شریف واقفی» پخش شد که جز تحریف واقعیات محتوای دیگری نداشت.**

رادیو تلویزیون نیز که در جریان جنگ گنبد هر روزه اخبار نادرستی در مورد جریانات گنبد منعکس می‌نمود در واقع همان نقش را که در جریانات کردستان و خوزستان بازی کرده بود در اینجا هم تکرار کرد، که چیزی جز تحریف واقعیات، مخدوش کردن اهداف حقیقی خلق‌های تحت ستم و جهت دادن افکار مردم بر علیه نیروهای مترقی و انقلابی از جمله سازمان چریک‌ها نبود. دروغ‌گویی را در روز ۱۳ فروردین به اوج رسانید و از طرف يك سازمان جعلی به اسم «نهضت اسلامی جوانان ترکمن» اعلامیه‌ای خواند که در آن دروغ‌های بی‌شمارانه‌ای در مورد نقش سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران و جریانات ترکمن صحرا مطرح شده بود.***

پخش اعلامیه گروهی که هیچگاه وجود خارجی نداشته در شرایطی صورت

* متن اعلامیه در بخش دوم فصل سوم موجود است (اعلامیه شماره ۱۵).

** متن دو اعلامیه که در جواب این تحریفات توسط «ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» و «کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - شاخه تهران» انتشار یافت در بخش دوم، فصل سوم (اعلامیه‌های شماره ۱۸ و ۱۹)

*** این «سازمان» که به نظر می‌رسد تنها عضو و رهبر آن صادق قطب‌زاده باشد بعد از این اعلامیه دیگر صدایش درنیامد. البته چندی بعد قطب زاده در تلویزیون مطرح کرد که گویا «اعضاء کنفدراسیون لباس طلاب را پوشیده و در جریان يك حمله به حمام زنانه در ترکمن صحرا شکم زنها را پاره کرده‌اند». البته این بار از قول «نهضت اسلامی جوانان ترکمن» مطرح نکرد.

می‌گرفت که علیرغم پافشاری برای پخش اعلامیه‌های سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران که همگی در جهت پایان دادن به جنگ و برادرکشی بود، رادیو و تلویزیون از این عمل خودداری می‌کرد. خود مسئولان دولت بازرگان در منطقه، تصدیق داشتند که پخش اعلامیه‌های سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران از رسانه‌های گروهی می‌توانست تأثیر مطلوبی در جهت تخفیف تشنج منطقه داشته باشد.

-۱۴ فروردین

کلیه سنگرهای ترکمن‌ها برچیده شد. طبق قرارداد می‌بایست تمام سنگرهای کمیته هم برچیده شود، اما این کار به طور کامل صورت نگرفت. گروه‌هایی در میان پاسداران به تحریک پرداخته و با بهره‌گیری از جوانی و ناآگاهی پاسداران، قصد ادامه جنگ را داشتند.* چندین بار حملاتی به ترکمن‌ها صورت گرفت، به خصوص ساعت ۴ صبح با سلاح‌های سبک و نارنجک انداز به سوی محلات ترکمن‌ها آتش گشودند، اما مبارزین ترکمن با تمام خطراتی که پاسخ نگفتن به تیراندازی برای آنها داشت و با توجه به فشارهای عصبی، با شکیبائی بی‌مانندی که تنها از ایمان آنها به وحدت و یکپارچگی همه خلق‌های ایران سرچشمه می‌گرفت آتش بس را حفظ کردند. پس از ۴ ساعت شلیک یکجانبه، که سنگین‌ترین آتش پاسداران در طول جنگ بود، با دخالت نماینده دولت مجدداً آتش بس برقرار شد. هیئت اعزامی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران با توجه به این حوادث اعلامیه‌ای انتشار داد که متن آن به قرار زیر است:

هموطنان مبارز:

دسیسه‌های پلید و سراسری عمال امپریالیسم سرانجام کارگر شد و آتش نفاق و خون ریزی را در شهرستان گنبد برافروخت. خواست‌های خلق ترکمن که جزئی از خواست‌های تمامی خلق‌های

* قبلاً به یکی از این گروه‌ها به رهبری صباغیان اشاره شد.

مردم قهرمان ایران» برای تشریح مسائل سیاسی روز منتشر شد. * آتش جنگ ۹ روزه خاموش شد اما مسلم است که تا جنگ افروزان به تحریکات خود ادامه می‌دهند و خلق ترکمن به خواسته‌های عادلانه خود نرسیده آتش جنگ هر آن می‌تواند مجدداً افروخته شود.***

از پایان آتش‌بس تا به امروز صدها توطئه کوچک و بزرگ در گوشه و کنار ترکمن صحرا طرح و اجرا شده است. غاصبین زمین، زمینداران بزرگ نیروهای قشری انحصارطلب عاملین این توطئه هستند و از همکاری «دولت موقت انقلابی» آقای بازرگان هم برخوردار بوده‌اند هدف از این توطئه‌ها عمدتاً به راه انداختن یک جنگ دیگر و پایمال کردن دستاوردهای دهقانان ترکمن یعنی پس گرفتن زمین‌های غصبی و مصادره املاک خاندان پهلوی و وابستگان است. هیئت حاکمه و ضد انقلاب منطقه بسم از آن دارد که با گسترش جنبش زحمتکشان صحرا، موقعیت اقتصادی کلیه بورژوا - ملاکهای منطقه در آینده به خطر افتد.

واقعۀ روستای کوچک نظرخانی یکی از صدها نمونه توطئه زمینداران و همکاری نیروهای قشری انحصارطلب با آنهاست. در این روستا در تاریخ ۵۸/۳/۱۰ به تحریک روستای کوچک نظرخانی سه نفر از اهالی روستا به دست «باسداران» مسلح وابسته به کمیته خان بین به گلوله بسته شده و به شهادت رسیدند.*** کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن برای خنثی نمودن این توطئه اعلامیه‌ای انتشار داد که متن آن به شرح زیر است:

مردم مبارز ترکمن صحرا

به دنبال توطئه‌های عناصر مرتجع بار دیگر مردم بی‌گناه را در قریه «کوچک نظرخانی» به گلوله بستند و در نتیجه ۳ نفر از نوجوانان روستا به شهادت رسیدند، و ۲ نفر دیگر به شدت مجروح شدند.

روی این اصل کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن ضمن

* متن اعلامیه در بخش دوم، فصل سوم آورده شده است.

** به متن اعلامیه‌ای که بعد از برقراری آتش‌بس در باره وقایع گنبد و جنگ ۹ روزه انتشار یافته، بخش دوم، فصل سوم مراجعه کنید (اعلامیه شماره ۱۶)

*** شرح حال شهدای روستای کوچک نظرخانی بین در بخش دوم فصل چهارم آمده است.

ایران است و همچون دیگر مسائل خلق‌ها می‌بایست از طریق مسالمت‌آمیز و برادرانه حل می‌شد، اینک به‌وسیله عمال امپریالیسم تحریف شده و به‌صورتی نادرست در اذهان نمایان گردیده است. بی‌توجهی و سهل‌انگاری مقامات مسئول از سوئی و توجه کامل و فعال نفاق‌افکنان عمال امپریالیسم از سوی دیگر ثمره فاجعه بار خود را به‌بار آورد و گنبد را به آتش و خون کشاند.

اینک که با همت عموم مبارزین صدیق و مقامات واقعاً مسئول، آتش‌بس برقرار شده و مذاکرات مسالمت‌آمیز جهت حل همه مسائل پذیرفته شده است، ما هشدار می‌دهیم که در صورت بی‌توجهی، با گنبد‌های دیگری زور و خواهیم شد.

عمال امپریالیسم در «آق‌قلاع»، «بندر ترکمن» و دیگر نقاط ترکمن صحرا مشغول توطئه چینی هستند و بر انقلابیون صدیق است که از آتش افروزی جلوگیری کرده و پیش از آنکه نقشه‌های دشمنان خلق به نتیجه برسد این توطئه‌ها را در نطفه نابود کنند. ما عمیقاً اعتقاد داریم که هرگونه جنگ افروزی میان خلق‌ها تنها به نفع امپریالیسم و عمال آن تمام خواهد شد و هر کس به هر طریق در جهت ستیز میان خلق‌ها اقدام کند، آگاهانه یا ناآگاهانه به خلق خیانت کرده و به امپریالیسم خدمت می‌نماید. هوشیار باشیم، با جنگ افروزی مقابله کنیم و خلق‌ها را از توطئه‌های جنگ افروزانه دشمنان آگاه سازیم.

استوار باد همبستگی میان خلق‌های ایران

نابود باد امپریالیسم و عمال آن

هیئت اعزامی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران به ترکمن صحرا

۵۸/۱/۱۴

اعلامیه دیگری نیز توسط سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در جهت افشای سیاست‌های رادیو - تلویزیون انتشار یافت. این اعلامیه با عنوان «برای آگاهی

محکوم کردن این قبیل جنایات که از طرف عناصر جنگ افروز تدارک دیده می‌شود، امروز را عزای عمومی اعلام کرده و از مردم مبارز ترکمن صحرا تقاضا دارد با حفظ آرامش و منانت انقلابی خویش جلوی دسایس و توطئه‌های عناصری را که هر روز به‌عنوانین مختلف سعی در ایجاد برادرکشی و تحمیل جنگی ناجوانمردانه به‌خلق ستم کشیده ترکمن را دارند خنثی کنند.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

۵۸/۳/۱۰

تا به‌امروز به‌علت هوشیاری مردم ترکمن و «ستاد مرکزی شوراه» تمام توطئه‌های جنگ افروزانه عقیم مانده است. البته عامل مهم دیگری که ضد انقلاب را نسبت به‌شروع جنگ دیگری در ترکمن صحرا محتاط ساخته، تجربه‌اش از جریان جنگ ۹ روزه گنبد است:

آنها در جریان جنگ ۹ روزه به‌خوبی درک کردند، در شرایطی که خلق ترکمن خواستار آغاز جنگ نیست حداکثر کوشش خود را برای جلوگیری از جنگ می‌کند اما هرگاه جنگی به‌ترکمن صحرا تحمیل شود، قهرمانانه خواهد جنگید و سنت‌های پر ارزش جنبش التون توقماق را بار دیگر زنده خواهد ساخت.

برای آگاهی مردم قهرمان ایران

از آنجا که در رادیو - تلویزیون ایران جوی حاکم است که اجازه نمی‌دهد همه حقایق به‌اطلاع هم میهنان عزیز برسد، از آنجا که از شبکه رادیو - تلویزیون اخبار جعلی، مغرضانه و یکجانبه پخش می‌شود، سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران برای آگاهی هم میهنان اعلام می‌دارد:

اخبار و گزارشاتی که در روزهای گذشته از جمله در سرویس‌های خبری روز دوشنبه ۱۳ فروردین از جانب نهضت اسلامی جوانان ترکمن از رادیو - تلویزیون پخش شده است، جعلی و دروغین است.

فدائیان به‌تصدیق همه شواهد به‌هیچ وجه نه آغازگر درگیری‌های گنبد بوده‌اند و نه در ادامه زد و خوردهای آن شرکت داشته‌اند. ما همان گونه که بلافاصله پس از قیام شکوهمند بهمن ماه در کنفرانس‌های مطبوعاتی خویش اعلام کرده‌ایم، هرگز با مردم نخواهیم جنگید، حتی اگر گروه‌هایی از مردم به‌تحریک عناصر مرتجع و ناآگاه به‌ما حمله کنند. تا امروز نیز چنین کرده‌ایم. شواهد ما عبارتند از:

۱- برخورد سازمان در جریان حمله به‌نمایشگاه عکس شهدا در لنگرود. عناصر مرتجع با تحریک احساسات پاک مذهبی نوجوانان آنان را به‌حمله به‌نمایشگاه واداشتند. اما فدائیان در کمال منانت و شکیبائی با آن که به‌راحتی می‌توانستند مقابله کنند به‌هیچ وجه برخورد نکردند و درگیر نشدند. هرچند عناصر ناآگاه نمایشگاه را به‌هم ریخته و عکس‌های شهدا راپاره پاره کردند، ولی ما با مهاجمان مقابله به‌مثل نکردیم و به‌خسونت دست نزدیم.

۲- دفتر فدائیان در تبریز مورد حمله مسلحانه عناصر ناآگاه و مرتجع قرار گرفت، فدائیان زیر شلیک شدید و پرتاب گازاشک آور به‌هیچ وجه دست به‌سلاح نبردند، چرا که ما به‌ریشه‌های توطئه‌ای که بر علیه انقلاب تدارک دیده شده است به‌خوبی آگاهیم. در جریان این حمله یکی از فدائیان بر اثر اصابت گلوله مجروح شد.

سرانجام پس از ساعت‌ها گفتگو، حمله مهاجمان با مداخله مسئولان کمیته امام و نماینده دولت دفع شد.

۳- در سنجند بسیار کوشیدند ما را مسبب حمله به‌پادگان‌ها و خلع سلاح مراکز نظامی و آغاز جنگ متهم کنند، ولی تحقیق همه هیات‌های اعزامی نشان داد که ما تنها وقتی وارد عمل شدیم که قره‌نی فرمان کشتار مردم را صادر کرده بود. فعالیت بعدی ما صرفاً در جهت برقراری و حفظ آتش بس و هم چنین کمک‌های پزشکی و درمانی به‌آسیب دیدگان جنگ بوده است.

۴- و این بار در فاجعه خونین گنبد که کثیف‌ترین و رذیله‌ترین توطئه عناصر مرتجع و مزدور است، بی‌شرمانه فدائیان را به‌آغاز و ادامه جنگ متهم کرده‌اند. یکبار دیگر اعلام می‌کنیم که به‌علت وجود سانسور و عدم آزادی بیان یعنی همان چیزی که برای کسب آن خلق ما صدها شهید فدائی داشته است، موفق نشدیم سخن خود را که برای جلوگیری از ادامه زد و خوردهای گنبد می‌توانست بسیار مؤثر باشد از شبکه رادیو - تلویزیون به‌گوش هم میهنان برسانیم. اطلاعاتی سازمان ما در مورد وقایع گنبد و رهنمودهای سازمان در روزهای فرآندم از رادیو - تلویزیون خوانده نشد. حال آن که به‌تشخیص مسئولان دولت تنها توطئه‌گران بودند که از عدم

انتشار این اطلاعیه‌ها سود بردند. اما اخبار جعلی خبرگزاری‌های متغرض آمریکائی یا گفته‌های ضد فدائی توطئه‌گران داخلی که کوشیدند حیثیت و شرف فدائی را ناجوانمردانه پایمال سازند، مرتباً از شبکه رادیو - تلویزیون پخش شد. ما ابائی نداریم که اعلام کنیم سیاست‌های کنونی مسئولان رادیو - تلویزیون هیچ فرقی با سیاست‌های سابق آن ندارد. ما فعلاً تا انتشار گزارش کامل وقایع گنبد که توسط هیأت اعزامی سازمان به گنبد در حال تهیه و تنظیم است، برای اطلاع هم میهنان اعلام می‌داریم که:

اولاً، ما در هر کجای ایران که هواداران سازمان وجود دارند و فعالیت می‌کنند حضور خواهیم یافت و تلاش پی‌گیرانه خود را در راه محو ستم امپریالیسم و تأمین کامل حقوق دموکراتیک و پشتیبانی از منافع خلق‌های ستمکش میهن ادامه خواهیم داد. هواداران ما نیز در گنبد موفق شده‌اند با محرومترین توده‌های ستمکش دهقان پیوندی ناگسستگی برقرار سازند. ما مجدداً از منافع دهقانان بی‌زمین ترکمن در برابر غاصبان زمین‌های آنان حمایت می‌کنیم.

ثانیاً، فعالیت ما در ترکمن صحرا محدود به فعالیت تبلیغی - ترویجی برای بیان و توضیح اهداف و برنامه‌های سازمان بوده است. ما در ترکمن صحرا بازگو کننده و پشتیبان حقوق دهقانان بی‌چیز و بی‌زمین و مخالف زمین‌داران بزرگ - غاصبان دوران پهلوی و مکنندگان خون ستمکشان - بوده‌ایم.

ثالثاً، از سه روز پیش از درگیری‌های گنبد، به تحریک شخصی به نام عمادی که مأمور توطئه چینی علیه سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران بوده است، با تحریک احساسات پاک مذهبی عده‌ای از پاسداران مسلح شهرهای مازندران و خراسان، آنها را به بهانه مبارزه با خطر کمونیست‌ها و ساواکی‌ها به گنبد می‌کشاند و با همدستی مالکان محلی و طرح حمله مسلحانه به میتینگ و سخنرانی، خلق ترکمن برانگیخته و زمینه برخوردهای خونین گنبد را فراهم می‌کنند.

ساعت دو و نیم (۲/۵) روز دوشنبه هفتم فروردین افرادی نقابدار که بازوبند پاسداران انقلاب اسلامی را به بازو بسته بودند، به میتینگ آرام ترکمن‌ها حمله می‌کنند و چند نفر از ترکمن‌ها را می‌کشند. ترکمن‌ها که

بی‌سلاح بودند به خاک و خون می‌افتند. دست کم دو نفر کشته و ده‌ها نفر زخمی می‌شوند. پس از این حادثه مردم خشمگین ترکمن متفرق می‌شوند. نقابداران به کتابخانه ترکمن‌ها حمله می‌کنند و آنها به آتش می‌کشند. مهاجمان کانون شورای فرهنگی ترکمن صحرا را با برتاب گازاشک آور شلیک مسلسل سنگین زیر آتش می‌گیرند. نماینده سازمان ما در کانون به حاضران دستور عدم مقاومت می‌دهد. حتی یک گلوله هم از جانب ما شلیک نمی‌شود. مهاجمان وقتی پی می‌برند که حاضران در کانون قصد دفاع ندارند با خشونت و گستاخی تمام به درون می‌ریزند. حدود پانزده نفر از حاضران را همراه با نماینده سازمان اسیر می‌کنند و به نقطه نامعلومی می‌برند که تا کنون از سرنوشت آنها خبری نداریم.

این ماجرا درست ساعت پنج و نیم روز دوشنبه یعنی سه ساعت پس از آغاز حمله مهاجمان صورت می‌گیرد و تیراندازی و کشتار، ساعت هشت شب پس از آن که شش کشته و ۲۶ زخمی برجای می‌گذارد خاموش می‌شود. اما روز هفتم فروردین ترکمن‌های خشمگین که اجتماعشان ناجوانمردانه توسط جوانانسی که خود نمی‌دانستند با که و برای چه می‌چنگند به خون کشیده شده بود، نسبت به تعرض می‌زنند. جنگ در سنگرها ادامه می‌یابد. یکسو ترکمن‌ها سنگر می‌گیرند و دیگر سو جوانان تحریک شده و برافروخته‌ای که از شهرهای دیگر آمده بودند.

عمادی، شخصی که سابقاً در تهران تنها بر اثر هوشیاری رفقای ما موفق نشد ما را به درگیری با جوانان برانگیخته‌ای که تحت تأثیر احساسات پاک مذهبی قرار داشتند بکشاند، اینبار نقشه‌های ناجوانمردانه خویش را که تا کنون به بهای خون‌ده‌ها جوان تمام شده است در گنبد به اجرا گذاشت. همه فجایعی که در گنبد راه انداخته‌اند، جنگی جنایتکارانه است که هر ساعت ادامه آن خیانت به خلق‌هایی است که تازه یوغ پهلوی را از گردن برداشته‌اند. طبیعی است که ما هیچگاه نه این جنایات را تأیید می‌کنیم و نه در آن شرکت داریم. ما خواستار مجازات بی‌امان محرکین و آغازکنندگان و ادامه دهندگان خیانتکار و پلید این توطئه هستیم.

رابعاً، مرکزیت سازمان پس از بررسی وقایع شوم گنبد، در شب جمعه تصمیم به اعزام یک هیأت با اختیارات کامل به گنبد می‌گیرد و صبح جمعه

دهم فروردین هیأتی مرکب از شش نفر از کادرهای سازمان برای کمک به حل صلح آمیز به دو گروه تقسیم و هر کدام با یکی از طرفین مخاصمه وارد مذاکره می‌شود.

گزارش تأیید شده‌ای که تا کنون دریافت داشته‌ایم حاکی است که همکاری استانداری مازندران و هیأت اعزامی از وزارت کشور برای ترک مخاصمه و بازگرداندن اوضاع به حال عادی قابل ملاحظه بوده، و تشتت، عدم مرکزیت و سازمان نیافتگی و بی‌هدفی کارکنانی که به عنوان پاسدار از سایر شهرها آمده‌اند، قابل تأسف بوده است. موارد نقض آتش بس عمدتاً به علت حرکات افراد غیر مسئول و غیر منضبط گزارش شده است. افراد غیر مسئولی که به هیچ وجه نه از جنگ چیزی می‌دانند و نه از سیاست. افرادی که نه از نظم چیزی می‌دانند نه از توطئه‌هایی که دشمن بر سر راهشان نهاده است.

هم میهنان

سیاستی که مسئولان غیر مسئول رادیو - تلویزیون در پخش اخبار جعلی و تحریک آمیز در پیش گرفته‌اند، سیاستی است که تنها و تنها به منظور گمراه کردن افکار عمومی و محروم ساختن مردم از شناخت حقیقت وقایع است. اینها می‌کوشند فدائیان یعنی فرزندان جان برکف و از خود گذشته خلق‌های ایران را که برخلاف فرصت‌طلبان نه به دنبال سوء استفاده از انقلاب مردم، بلکه در پی تحکیم نتایج انقلاب مردم‌اند. به شیوه سیاست‌های رژیم گذشته «خرابکار»، «فرصت‌طلب» و غیره بخوانند.

سؤال ما از همه توطئه‌چینان و نفاق‌افکنانی که امروز مزورانه در پی رودر رو قرار دادن مردم و بی‌بها کردن خون شهیدان خلق‌اند اینست:

هنگامی که زنان و مردان فدائی در شکنجه گاه‌های رژیم زنده زنده سوزانده می‌شدند، هنگامی که فدائی با قلبی لبریز از عشق به خلق در سپیده‌های خونین اعدام با ایمان به فردای بهتر خلق به سوی مرگ می‌شتافت و دریای چوبه اعدام با فریاد «زنده باد کارگران و زحمتکشان ایران» رگبار مسلسل دژخیمان را تحقیر می‌کرد، هنگامی که فدائی با پیکر

غرق به خون خود در شکنجه گاه‌های کمیته و اوین، حماسه مقاومت خلق‌های ستمدیده ایران را می‌آفرید، هنگامی که فدائی در کوچه و خیابان با دژخیمان ساواک و مزدوران شاه می‌جنگید و با نثار خون خود فریاد ستمکشان را به گوش خلق‌های ایران و جهان می‌رساند، کجا بودید شما فرصت‌طلبان ترسوئی که امروز به لکه‌دار کردن نام فدائی کمر بسته‌اید و با هزاران خدعه و نیرنگ می‌کوشید حقایق را وارونه جلوه دهید و برای احیای منافع چپاولگران، خلق را از فدائی خلق روی گردان کنید؟

ایمان داریم که فحش‌نامه‌ها، اخبار جعلی و تحریکات شما رو به‌هکان هفت خطی که خود را در میان مردم جازده‌اید هرگز نخواهد توانست خلق‌های ستمدیده ما را که از قیام خونین خود درس‌ها گرفته و تجربه‌ها اندوخته‌اند، فریب داده و آنانرا در برابر هم قرار دهد.

مرگ بر توطئه‌گران و نفاق‌افکنان
مستحکم باد پیوند خلق‌های ایران

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران
۵۸/۱/۱۴

